



گفت‌وگوی «جوان» با هم‌رزم اولین فرمانده شهید لشکر زینبیون «زینت‌علی جعفری»

صدای زینت دیگر از پشت بیسیم شنیده نمی‌شد!



جعفری، آنجا بود که متوجه شدم در امر نظامی هم دستنی بر آتش دارد. به خاطر توانمندی بالایی که از خود نشان داد فرماندهی یک گروه ۱۵ نفره را به زینت سپردیم.

اولین عملیات

بچه‌ها را برای استقرار به مقری که از قبل به همت یکی از فرماندهان لشکر زینبیون به نام شهید درویش و هم‌زمانش آماده شده بود منتقل کردیم. امکانات موجود به استعداد نیروهای تازه از راه رسیده نبود اما هر طور شده بچه‌ها را در آنجا مستقر کردیم.

قبل از آزادسازی دو شهر شیعه‌نشین نیل و الزهرا باید منطقه سیفات و حسندرات آزاد می‌شد. در حقیقت آزادسازی این شهر مقدمه‌ای بر عملیات نیل و الزهرا بود. در این عملیات بود که همه شهید زینت را شناختمند. او جوهره وجودی‌اش را در این عملیات آشکار داد. زینت متواضع و سر به زیر در فضای نظامی مانند شیر غران با شجاعت و جسارت جنگید و

پیشروی کرد. او و نیروهای غیرولشکر زینبیون توانستند دو، سه روستا را از دست تکفیری‌ها آزاد کنند.

بازجویی زینت

در روند اجرای این عملیات، تعدادی نیروی داعشی به دست بچه‌های لشکر اسیر شدند که یکی از آنها پاکستانی بود. بچه‌ها هر چه تلاش کردند نتوانستند از این اسیر پاکستانی، بازجویی کنند. به لحاظ کمی و کیفی نیازمند اطلاعاتی از جبهه مخالف بودیم. زینت به اتاق بازجویی رفت و از بچه‌ها خواست این اسیر را به او بسپارند. مدتی بعد از اتاق خارج شد و همه اطلاعات لازم را در اختیار ما قرار داد. از استعداد و توان نظامی دشمن در منطقه، وضعیت نیروها و… همه فرمانده‌های ایرانی و غیر ایرانی مستقر در مقرر، متحیر مانده بودند. نمی‌دانستیم زینت چه رفتاری با این اسیر کرد و از چه شیوه اخلاقی بهره برد که توانست از آن اسیر اعتراف بگیرد و دست پر بیرون بیاید.

عملیات پشت عملیات

بعد از آن عملیات، عملیات‌های متفاوتی در منطقه انجام شد و همین بهانه‌ای بود تا زینت توانایی خودش را بیشتر از قبل بروز دهد. با گذشت هر روز از آشنایی‌مان رابطه من و او هم صمیمی‌تر می‌شد. رفتار و منش زینت و فضایی که در وجودش می‌دیدم، برایم درس

انسان‌سازی بود. در همین اثنا زینت بر اثر اصابت ترکش مجروح شد و به عقب برگشت. او با اینکه با تکیه بر دو عصاره می‌رفت خودش را به مراسم تشییع شهدا و هم‌زمانش در لشکر زینبیون می‌رساند.

اخبار سیاسی

زینت همیشه اخبار سیاسی و بیانات مقام معظم رهبری را پیگیری می‌کرد. یادم هست تلویزیون مکرمان خراب بود. منتظر ماند تا مسئولش از راه برسد و تلویزیون را درست کند. خودش دست به کار شد با وسایلی مثل فیث و کابل و… که از بازار نزدیک حرم خریداری کرده بود تلویزیون را تعمیر کرد. اصرار داشت اخبار سیاسی و منطقه را دنبال کند.

کالک عملیاتی

در منطقه بودیم که اطلاع دادند قرار است جلسه مهمی با حضور فرماندهان لشکر زینبیون، فرماندهان ایرانی، حزب‌الله و سوری برگزار شود. در این جلسه فرمانده درویش، زینت و نیز چند نفر از بچه‌ها حضور داشتند. قرار بود محور عملیاتی زینبیون برای آنها توجیه و محور عملیاتی مشخصی به آنها داده شود. زینت شروع به شرح منطقه مورد نظر کرد. وجب به تله‌های انفجاری و راه‌های مواصلاتی، مناطق روستایی و راه‌های صعب‌العبور، دست‌ها و کوه‌ها کامل تشریح کرد و به صورت دقیق مورد بررسی و تحلیل قرار داد. با خودم گفتم مگر چه مدت در منطقه حضور داشته که با این دقت توانست اطلاعات جامعی ارائه بدهد؟! خدا را شکر کردم که این جوان رعنای پاکستانی آن‌قدر مسلط رفتار کرد.



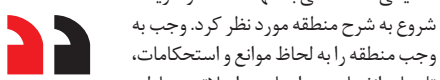
می‌کردند تا مشکلات را هر طور که هست رفع کنند. وقتی کنارشان بودم اصلاً نمی‌دانستم کدام‌شان فرمانده و کدام جانشین است. اصلاً توجه‌ای به رده‌های مسئولیتی نداشتمند و سمت و درجه نمی‌شناختمند. همه تلاش‌شان تحقق اهداف از پیش تعیین شده بود.

وداع آخر

ساعت‌ها قبل از آغاز عملیات بچه‌ها یکی یکی سوار کامیون می‌شدند، نوبت به شهید زینت رسید که سوار شود. برایم سخت بود بخوادم باور کنم این آخرین لحظات همراهی من با فرمانده دل‌ها زینت است. در آغوش گرفتمش. زینت گفت: علی‌آقا فکر می‌کنید من به اتکای این تجهیزات و مهمات به میدان نبرد می‌روم؟ نه، امید من به صاحب‌الزمان (عج) است. ما برای ایشان می‌جنگیم و ایشان ما را تنها نمی‌گذارد. این را گفتم. دوباره در آغوشش گرفتم. این آخرین وداع ما بود. بارفتن زینت خیلی نگران‌اش شدم. همان جا به دوستان گفتم هوای زینت را داشته باشید. این چند روز خیلی فشار را تحمل کرده و بی‌خوابی کشیده است. به دلم افتاده بود که زینت دیگر بر نمی‌گردد.

بیکر شهید

خیلی زود اهداف عملیاتی که آن شب زینت در جلسه برای فرماندهان توجیه کرده بود با کمک بچه‌های حزب‌الله محقق شد اما از جناحین دار آماده‌سازی بچه‌ها برای یکی از همین عملیات‌ها بودیم. هوا بارانی بود. بچه‌ها در کارخانه‌ای متروک آماده می‌شدند. قرار بود شب به خط بزینم. فرمانده درویش و جانشینش زینت کار بسیار فشرده‌ای داشتند. امکانات کم و بروز مسائل و مشکلاتی کار را سخت‌تر کرده بود. تسلیحات مورد نظر بچه‌ها خیلی دیر به دستشان می‌رسید دچار کمبود مهمات بودند. آن‌هم به خاطر شرایط سختی که در آن ایام بود. مسیرها مورد تهدید دشمن و زیر آتش آنها قرار داشت اما بچه‌های غیرتمند پاکستانی که شیده بودند دو شهر شیعه‌نشین نیل و الزهرا در خطر قرار دارد و شیعیان در محاصره هستند خودشان را به منطقه رسانده بودند. غیرت‌شان به جوش آمده بود. آمده بودند تا کار را تمام کنند. فرمانده درویش و جانشینش زینت تلاش



نوبت به شهید زینت رسید که برود. در آغوش گرفتمش. زینت گفت: علی‌آقا فکر می‌کنید من به اتکای این تجهیزات و مهمات به میدان نبرد می‌روم؟

نه، امید من به صاحب‌الزمان (عج) است. ما برای ایشان می‌جنگیم و ایشان ما را تنها نمی‌گذارد

یادکرد

آزادسازی هویزه

نوید آزادی خرمشهر راداد

■

■

■

در روزهای تقویم وقتی به ۱۸ اردیبهشت

می‌رسیم یاد یک روز مهم در تاریخ دفاع مقدس می‌افتیم. ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ در

جریان عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز

السی بیت‌المقدس منطقه هویزه توسط

رزمندگان آزاد شد تا آزادی خرمشهر

بیش از همیشه در دسترس قرار بگیرد.

هویزه در روزهای جنگ تاریخ پر فراز و

نشیبی داشت و خون‌های پاک زیادی برای

حفظ و آزادسازی‌اش ریخته شده بود.

تمام این تلاش‌ها در نهایت در اردیبهشت

و در جریان عملیات بیت‌المقدس نتیجه

داد و هویزه را برای همیشه آزاد کرد.

اشغال خرمشهر توسط عراق به عنوان

آخرین و مهم‌ترین برگ برنده این کشور

برای وادار ساختن ایران به شرکت در هر

گونه مذاکرات صلح تلقی می‌شد. آزادسازی

هویزه می‌توانست سبمل تحمیل اراده

سیاسی جمهوری اسلامی بر متجاوز و اثبات

برتری نظامی‌اش باشد. پس همه رزمندگان

برای آزادی هویزه هم‌قسم شدند.

نیروهای تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله درباره

واکنش فرماندهان در آن برهه تاریخی

چنین می‌گویند: «فاصله آغاز مرحله اول

عملیات تا شروع مور حمله دوم، کمتر از یک

هفته بود، حاج‌احمد در این چند شبانه‌روز

آرام و قرار نداشت. خواب و خوراک ابداء…

یا مشغول سرر و کله زند یا بچه‌های واحد



عقب‌نشینی عراقی‌ها از این شهر آورده است: «از شب هجدهم اردیبهشت، آتش دشمن درجهه کرخه و هویزه قطع شد. نیروهای ما با توپخانه به دشمن شلیک می‌کردند اما از دوستانم به نام کلیم‌زاده سوار بر موتور به سوی هویزه رفتیم. هر چه می‌رفتیم، اثری از نیروهای دشمن نبود. قلمب‌تندتند می‌زد. داشتیم به هویزه می‌رسیدیم. باورم نمی‌شد. هیچ اثری از دشمن نبود. از خوشحالی گریه می‌کردم. گرگه‌گنان به سوی آتش و سپاه رقتم و آنها را از عقب‌نشینی دشمن باخبر کردم و همه نیروها یا شادمانی به سوی هویزه به حرکت درامدند»

با انتشار خبر فتح هویزه، صدام همچون دفعات قبل، فرار از هویزه را هم جزو پیروزی‌های درخشان خود به حساب می‌آورد و سرانجام اعلام می‌کند ارتش عراق برای محاصره ایرانی‌ها، اقدام به عقب‌نشینی تاکتیکی از هویزه کرده است.

آزادسازی خرمشهر نزدیک کرد. حدود دو اردیبهشت سال ۱۳۶۱ با هدف رسیدن به مرز بین‌المللی و تصرف دژه‌های مرزی در شمال دشت شلمچه آغاز شد. در دومین

طراحی:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۶۴۶

			۷	۴			۹
				۶			۶
		۱	۹				
				۵		۸	
					۴		
		۳		۴		۷	
			۵	۳		۱	
		۸			۳		
					۹		۲
			۷				۸

جدول سودوکو

ارقام ۹تا ۹راطوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۵۶۴۵

۷	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳